

The “Nafy-e Sabil” Rule and the New Islamic Civilization

Shahrooz Shariati *

Received on: 09/08/2022

Mahdi Abbasi Shahkooch **

Accepted on: 06/01/2023

Abstract

Purpose: The most important goal of this article is to show that the reconstruction of "Islamic civilization" requires a new definition and understanding of the rule of "Negation of the Way" (Nafy-e Sabil) in the texts of Islamic jurisprudence. From the point of view of this article, the conceptual elements of the Negation of the Way, redefine and guarantee ontological security in Islamic civilization. Modern Muslims and Muslims who seek to create an Islamic renaissance should carefully study the concept of the rule of Nafy-e Sabil.

Methodology: The present article is based on the method of "text content analysis" in the exegetical teachings of late Shiite scholars. Discourse analysis method, emphasizing the logic of difference and demarcation with "other" was also considered in this article. In this method, the concept of the rule of "Negation of the Way" (Nafy-e Sabil) and the identity of a believer were extracted from the Qur'an and Shia jurisprudence texts, and the civilization-building requirements of the rule of Nafy-e Sabil were identified in these texts. In order to validate the findings, the opinions of high-ranking Shia clerics such as Allameh Jafari, Imam Khomeini, Ayatollah Khamenei, Allameh Tabatabai, Ayatollah Makarem Shirazi and Ayatollah Javadi Amoli were studied about the concept of "Negation of the Way" (Nafy-e Sabil), "faith" and "religious duties".

* Associate Professor of Political Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author).

shariati@modares.ac.ir

 0000-0002-5254-4849

** Ph.D student of Political Studies of Islamic Revolution, Shahid University, Tehran, Iran.
mahdi.abbasi@shahed.ac.ir

 0000-0002-7948-7995



Findings: The rule of Nafy-e Sabil is a fluid and dynamic concept that is formed based on demarcation, and is the basis of preserving the real identity of believers. Nafy-e Sabil is adherence to a divine tradition that will be manifested after the responsible and accurate performance of religious duties. This rule changes the principle of demarcation from Islam and disbelief to faith and disbelief and defines faith based on religious duties and a special lifestyle. Nafy-e Sabil causes the production of knowledge, wealth and military power of Muslims and shia to increase.

Conclusion: Preservation of Muslim identity has requirements that Muslims and Shia communities must pay attention to. The rule of Nafy-e Sabil will preserve the dignity, honor, pride and progress of the Muslim and Shia community, and this issue is of great interest in the statements of the high Shia leaders. the difference in the Islamic way of life led to the creation of security in the Islamic civilization and causes the strength and capability of Islamic civilization in the contemporary world.

Keyword: Iran, Islam, Shia, Culture, “Negation of the Way” Rule (Nafy-e Sabil), Civilization.

الزامات تضمینی قاعده‌ی نفی سبیل در فرآیند تمدن‌سازی ایرانی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸

شهر روز شریعتی *

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۶

مهدی عباسی شاهکوه **

چکیده

تمدن‌ها مبتنی بر دو پایه‌ی علم و فرهنگ شکل می‌گیرند. تمدن اسلامی نیز حاصل فرهنگ غنی اسلامی و تولید دانش سودمند در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی است. چستی تمدن اسلامی را باید در تفاوت عمیق سبک زندگی برگرفته از آموزه‌های اسلامی در سه ساحت اعتقادات، اخلاقیات و قوانین دانست که در سه سطح قلبی و زبانی و عملی بروز و ظهور می‌یابند. این تفاوت در سبک زندگی اسلامی موجب می‌شود مفهوم امنیت تمدنی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار شود به نحوی که آرمان تمدن‌سازی ایرانی اسلامی نیز بدون در نظر داشتن الزامات تأمین امنیت تمدنی میسر نخواهد بود. قاعده‌ی قرآنی «نفی سبیل» هم در بعد سلبی و هم در بعد ایجابی خود در فرآیند تمدن‌سازی و امنیت تمدنی جایگاهی بی‌بدیل دارد. قاعده مذکور به‌عنوان شرط لازم و نه کافی، الزامات و بینشی را با خود همراه می‌سازد که به قدرتمندی و توانمندی مؤمنین منجر می‌شود و «سنت‌های الهی» را در دنیای مادی جاری و ساری می‌کند. متن حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که «قاعده‌ی نفی سبیل چگونه می‌تواند در فرآیند تمدنی به کارگیری شود؟» یافته‌های این مقاله با بهره‌گیری از برخی آموزه‌های نظریه امنیت هستی‌شناختی مؤید آن است که قاعده نفی سبیل، قاعده‌ای هویت‌ساز است که از طریق بازآفرینی هویت تمدنی به‌واسطه تولید علم «شرافت آفرین»، تولید ثروت «عزت آفرین» و اقتدار نظامی «غرور آفرین» سبب ایجاد و افزایش احساس امنیت هستی‌شناختی در فرآیند تمدن‌سازی ایرانی و اسلامی می‌شود. روش این پژوهش مبتنی بر تحلیل متعارف متن آموزه‌های تفسیری قرآن در نزد جمعی از علمای متأخر شیعه است.

کلمات کلیدی: ایران، اسلام، قاعده نفی سبیل، تمدن، فرهنگ، امنیت.

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

0000-0002-5254-4849

shariati@modares.ac.ir

** دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

0000-0002-7948-7995

mahdi.abbasi@shahed.ac.ir



بیان مسئله

ادیان الهی به‌ویژه اسلام مشمول سه بُعد اصلی یعنی اعتقادات، اخلاقیات و شریعت است و ایمان نیز سه سطح قلبی، زبانی و عملی را شامل می‌شود. این یعنی اعتقاد به آموزه‌های دینی و یا نیت الهی صرف برای تمایز مؤمن از مسلم و یا کافر و منافق کافی نیست. بلکه مؤمن دارای سبک زندگی است که ایمانش را جلوه‌گر و مشهود می‌سازد؛ خواه در حوزه‌ی فردی، خانوادگی و یا اجتماعی باشد. بر این مبنا مؤمن دارای مرزبندی با شرک بوده و این را به نمایش خواهد گذاشت. آیات قرآن مشحون از منطق مرزبندی و تفاوت بین دوگانه‌های خیر و شر است به‌طوری‌که مؤمنان را در برابر کفار و منافقین، مستکبر را در برابر مستضعف، مودت و تولی در برابر دشمنی و تبری و نظایر آن تعریف می‌کند.

از جمله آیاتی که به‌عنوان یک قاعده در میان فریقین تصریح شده قاعده‌ی «نفی سبیل» در آیه‌ی ۱۴۱ سوره‌ی نساء است. قاعده‌ای که مورد غفلت جوامع مسلمان قرار گرفته و به نظر می‌رسد می‌تواند نقشی تعیین‌کننده‌ای در سبک زندگی و سوگیری مؤمنین داشته باشد؛ همین‌طور نقشی مهم برای تمدن‌سازی اسلامی ایفا کند تا آنجا که می‌توان گفت نفی سبیل همان سبک زندگی ایمانی را در نظر دارد که وجه ممیزه‌ی تمدن مادی و الهی نیز هست. بر این مبنا نوشتار حاضر می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد: «قاعده‌ی نفی سبیل چگونه می‌تواند در فرایند تمدنی به کارگیری شود؟» فرضیه‌ی پژوهش نیز این‌گونه صورت‌بندی شده است: «قاعده نفی سبیل از طریق افزایش امنیت هستی‌شناختی و حفظ عزت، شرافت و غرور، فرایند تمدن‌سازی را تسهیل و تضمین می‌کند». نوشتار حاضر مبتنی بر روش تحلیل محتوای متن در آموزه‌های تفسیری علمای متأخر شیعه و همچنین روش تحلیل گفتمان، با تأکید بر منطق تفاوت و مرزبندی با «دیگری»^۱ است. در این چارچوب به مفهوم‌شناسی قاعده‌ی نفی سبیل و کیستی مؤمن و درنهایت نیز به الزامات تمدن‌ساز قاعده‌ی نفی سبیل پرداخته می‌شود. همچنین برای روشن شدن مفهوم، معنا و درک موضوع از آیات و روایات دیگر استفاده می‌شود، همچنان که در تفاسیری چون المیزان (مسعودی، ۱۳۷۶) و یا تفسیر علامه جعفری از نهج‌البلاغه (فتاحی‌زاده و مرادی، ۱۳۹۲) این روش به چشم می‌خورد. روشی که این مقاله بر اساس آن «الزامات» تمدن‌سازی را انشاء می‌کند نیز

مستخرج از آرای فقهای متقدمی چون امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، علامه طباطبائی، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی نسبت به چیستی مفهوم نفی سبیل، ایمان و نیز تکالیف مؤمنانه در برابر راه‌های سلطه‌ی کفار می‌باشد.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

در رابطه با قاعده‌ی نفی سبیل و مسئله‌ی تمدن اسلامی، آثار بسیاری خلق شده است که هر یک را جداگانه به بحث و بررسی گذاشتند و عمدتاً با سوگیری در حوزه‌ی سیاست خارجی نوشته شدند. مقاله‌ی «بررسی تضاد قاعده نفی سبیل با نظریه جهانی‌شدن و جهانی‌سازی» (اندرزگو و نواده توپچی، ۱۴۰۰)، «رابطه قاعده نفی سبیل با توافق برجام» (فرید و همکاران، ۱۳۹۹)، «تأثیر آیه نفی سبیل بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» (دیاری و داوری، ۱۴۰۰) از این دست هستند. برخی از نوشتارها که با متن حاضر نیز در تناظر هستند قاعده نفی سبیل را به‌عنوان یک اصل مبنایی در حوزه فرهنگی «چالش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار» (غمامی و مقدمی، ۱۳۹۸) و اقتصادی «امنیت ملی و ارتباط آن با وجوب استکبارستیزی در اسلام (با تمرکز بر امنیت اقتصادی)» (قدیری، ۱۴۰۰) بر رسیده‌اند. عمده‌ی تألیفات اما شامل پژوهش‌های فقهی است که بر دلالت‌های فقهی این قاعده تأکید دارند: «سیر تحول مفهومی قاعده نفی سبیل در فقه سیاسی شیعه» (شجاعیان، ۱۳۹۹)، «واکاوی دلالت آیه نفی سبیل بر عدم جواز سلطه کفار بر مسلمین» (نوروزیان، ۱۳۹۸). همچنین مقالات دیگری نیز نگارش شده‌اند که به تمدن نوین اسلامی مرتبط هستند لیکن به مفهوم «نفی سبیل» نپرداختند: «هویت دینی و آینده همگرایی در جهان اسلام؛ موانع و راهکارها» (سرخیل، ۱۳۹۸) و مقاله‌ی «مؤلفه‌های الگوی سیاست خارجی تمدن ساز» (دهشیری و بهرامی، ۱۴۰۰). نوآوری و بدعت نوشتار فوق و وجه تمایز آن با پژوهش‌های صورت گرفته در این است که مقاله‌ی حاضر از منظر امنیت هستی‌شناسی به موضوع تمدن ایرانی اسلامی نگریسته شده و در ادامه به تبیین رابطه‌ی کلیدی «نفی سبیل» با «ساخت تمدنی» پرداخته است.

۲. چهارچوب نظری پژوهش: امنیت هستی‌شناختی و نفی سلطه هویتی

امنیت تمدنی را با تأکید بر جایگاه ابعاد شناختی، فرهنگی و ذهنی در فرایند تمدن‌سازی،

می‌توان از بسیاری جهات متناظر با مفهوم امنیت هستی‌شناختی در نظام بین‌المللی دانست. نظریه «امنیت هستی‌شناختی»^۱، ناظر بر تقابل‌ها و مناقشات پایدار در روابط بین‌المللی است. در این نظریه، «ماوراءالطبیعه» سیاست و امنیت را شکل می‌دهد. به بیان دقیق‌تر، این نظریه منازعاتی را می‌کاود که امنیت هویتی را از طریق حفظ عزت، شرافت و غرور ضمانت می‌کند. نظریه مذکور ابتدا از سوی آنتونی گیدنز در قالب مفهوم «وجود انسانی» و در سطح فردی طرح شد (Giddenz.2004.pp38-39) که در آن هویت^۲ از جایگاه بالایی برخوردار است.

اما جنیفر میتزن با استفاده از رهیافت نظریه هستی‌شناختی گیدنز، این نگرش را در سطح بین‌الملل و با تمرکز بر چگونگی اثربخشی درک از خویشتن بر شکل‌گیری «کنش» و «سوژگی» مطرح کرد (Mitzen & Larson.2017.p5). میتزن بر آن است که: «علاوه بر امنیت فیزیکی یا امنیت ساختار، شکل بنیادین دیگری از امنیت با عنوان امنیت هستی‌شناختی وجود دارد به این معنی که کشورها و تمدن‌ها نیز مانند سایر کنشگران اجتماعی نیاز به درک و فهم ثابت از هویت فردی، ارجحیت‌ها، اهداف و منافع خود دارند و برای هرگونه کنش و اقدامی نیازمند یک هویت تعیین‌کننده هستند». (Mitzen.2006.p342) میتزن، «بی‌اطمینانی و عدم یقین عمیق» را عامل تهدیدکننده‌ی امنیت هستی‌شناختی می‌داند. امنیت هستی‌شناختی بر مقابله با تهدیداتی متکی است که به فرد امکان می‌دهد تا بتواند امید و شهامت خود در برابر هر نوع شرایط مخرب و تضعیف‌کننده‌ای که شاید در آینده با آن مواجه شود، حفظ کند. این نظریه بُعد دیگری از امنیت را فراتر از مفهوم فیزیکی آن مطرح می‌کند که ممکن است این دو مفهوم در تعارض با یکدیگر باشند. یعنی حتی یک رابطه‌ی مناقشه‌آمیز نیز می‌تواند تأمین‌کننده‌ی امنیت هستی‌شناسی باشد و طرفین منازعه پایدار و قطعی را بر وضعیت ناپایدار و عدم قطعیت و اطمینان ترجیح دهند. از آنجاکه مفروض مقاله حاضر، تقابل هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی تمدن غرب و تمدن در حال پی‌ریزی ایرانی - اسلامی در چارچوب هستی‌شناسی است بنابراین می‌توان در کنار نظریه امنیت هستی‌شناسی، از آموزه‌هایی که بر رویدادها و روندهای منجر به تقابل تمدن‌ها تأکید دارند بهره

1 . Ontological Security

2 . Identity

گرفت. در این خصوص نظریه «برخورد تمدن‌ها»ی ساموئل هانتینگتون^۱ جایگاه ویژه‌ای دارد. بر این اساس از آنجایی که موضوع اصلی تقابل تمدنی میان اسلام و غرب بر بنیان هستی‌شناسی و در واژگان نهایی معطوف به سبک زندگی است؛ آنچه برخی اسلام سیاسی انقلابی می‌خوانند بر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی متضاد و متباین با غرب توقف نکرده بلکه بر روشمندی سیاسی، فرهنگی، علمی و... نیز نظر دارد. به بیان بهتر، تمدن نوین اسلامی در عمل باید به سمتی حرکت کند که بتواند افزون بر هویت، زیسته‌ی خود (زیست مؤمنانه) را مستقل از هویت غرب تعریف کرده و سپس به‌عنوان تمدنی بالنده ظهور کند؛ که ابعاد این موضوع در ادامه مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. در این چارچوب نظری، استدلال می‌شود: «قاعده نفی سبیل» از آن منظر که بر حفظ هویت و پرهیز از سلطه کفار بر مؤمنان تأکید دارد در نتیجه ناظر بر ایجاد امنیت هستی‌شناختی و از الزامات تضمینی تمدن‌سازی ایرانی و اسلامی است.

۳. چارچوب مفهومی پژوهش

نوشتار حاضر دو مفهوم اصلی را پی می‌جوید که بدون درک و تبیین تفهیمی این مفاهیم نمی‌توان به تبیین موضوع اصلی پرداخت. بر این مبنا قاعده‌ی نفی سبیل و مفهوم مؤمن منطبق بر آیات قرآن و تفاسیر علمای اسلامی از نظر خواهد گذشت. البته مفهوم تمدن اسلامی نیز ضرورت تعریف دارد:

۳-۱. چیستی و مفهوم‌شناسی قاعده‌ی نفی سبیل در فقه شیعی

مفهوم نفی سبیل از جمله مؤلفه‌های مهم فقه سیاسی اسلامی است که گویای نوع روابط طرفین است؛ زیرا این اصل بیش از هر موضوع دیگری بر عدم وابستگی مؤمنان به «غیر» ارتباط می‌یابد. به عقیده بسیاری از فقها منظور از قاعده‌ی نفی سبیل، عدم جعل حکمی از جانب خداوند است که سبب استیلا و استعلا کافران بر مؤمنان شود. مطابق آیه فوق مؤمنان باید از عملی که به تسلط کافران بر ایشان منجر می‌شود، پرهیز نمایند (علیدوست، ۱۳۸۳، ص ۲۳۳)؛ چراکه خلاف دستورات الهی عمل کرده یا بخشی از آنها را مطرود داشته‌اند.

1 . Samuel Huntington

آنچه در فقه سیاسی شیعی به‌عنوان وظیفه‌ی هر فرد آمده است دفاع از باورهای ایمانی و ایستادگی در مقابل تفوق، برتری و سلطه‌ی کفار است. در این رابطه علامه طباطبائی در تفسیر آیه‌ی ۱۴۱ سوره‌ی نساء^۱ مطرح می‌کند: «احتمال هم دارد که نفی سبیل اعم از تسلط در دنیا باشد یعنی منظور این باشد که کفار نه در دنیا مسلط بر مؤمنین می‌شوند و نه در آخرت، مؤمنین به اذن خدا دائماً غالبند، مادامی که ملتزم به لوازم ایمان خود باشند» (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۸۹). نکته‌ی مهم تفسیر آیه، این است که شرط عدم تسلط کافران بر مؤمنان را ایمان واقعی و انجام وظایف دینی و الهی می‌داند. از این منظر مؤمنان باید در انجام وظایف خود بکوشند و در غیر این صورت کافران بر ایشان استیلا می‌یابند. در تفسیر نمونه نیز آمده است: «از آنجاکه کلمه سبیل به‌اصطلاح از قبیل نکره در سیاق نفی است و معنی عموم را می‌رساند؛ از آیه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد و اگر پیروزی آنها را بر مسلمانان در میدان‌های مختلف با چشم خود می‌بینیم به خاطر آن است که بسیاری از مسلمانان مؤمنان واقعی نیستند و راه و رسم ایمان و وظایف و مسئولیت‌ها و رسالت‌های خویش را به‌کلی فراموش کرده‌اند، نه خبری از اتحاد و اخوت اسلامی در میان آنان است و نه جهاد به معنی واقعی کلمه انجام می‌دهند و نه علم و آگاهی لازم را که اسلام آن را از لحظه‌ی تولد تا لحظه مرگ بر همه لازم شمرده است دارند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۴، صص ۱۷۶-۱۷۵). آیت‌الله جوادی آملی نیز تصریح می‌کند: «آیه‌ی مزبور، غلبه‌ی کافران بر مؤمنان را تا وقتی که مؤمنان به لوازم ایمان پایبند باشد نفی می‌کند. در جامعه متشکل از کافران و مؤمنان، برتری و به سخن روشن‌تر، حاکمیت برای مؤمنان است و در صورت برتری کافران بر مؤمنان، باید علت را در فقدان شرط ایمان و نیز در رویکرد به دنیا جست.» وی در ادامه به آیه‌ی ۱۵۲ سوره‌ی آل عمران اشاره می‌کند که: «صدق وعده الهی آن بود که شما را بر دشمنان غلبه داد و به اذن خداوند کافران را نابود کردید. همواره چنین بود تا وقتی که

.....
 ۱. «منافقان همان‌ها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب شما هستند؛ اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنائم شریکیم)» و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، به آنان می‌گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی‌کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود)» خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.»

اختلاف و سستی را برگزیدید و به جهت تفرقه و نافرمانی از دستورهای پیامبر (ص)، خداوند شما را از غلبه بر کافران باز داشت» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷).

امام خمینی نیز در کتاب البیع اظهار می‌دارد: «بر اساس تفاسیر و غیر تفاسیر، احتمالاتی وجود دارد؛ زیرا سبیل به معنای: ۱. نصر ۲. حجت در دنیا ۳. حجت در آخرت ۴. سلطه اعتباری ۵. سلطه خارجی می‌باشد» (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۲۱). به نظر می‌رسد ادعای اینکه سبیل در یکی از این معانی به کاررفته است ناتمام باشد، بلکه آنچه در آیه آمده، نفی معنای عام است و هر یک از این موارد می‌تواند مصداق آن باشد. بنابراین، خداوند هرگونه عملی را اعم از تکوینی و یا تشریحی که موجب یاری‌رساندن به کافران باشد و یا غلبه‌ی فکری و فرهنگی آنان را در دنیا و یا غلبه و برتری استدلال و برهان آنها را در آخرت و یا سلطه و حاکمیت اعتباری و یا فیزیکی و تکوینی آنان را در پی داشته باشد، نفی کرده است (رحمانی، ۱۳۸۲، ص ۶). در قرآن کریم نوعی از منطق تفاوت، قابل‌مشاهده است. در این راستا می‌توان به آیات تحریم دوستی و نزدیکی با کفار اشاره کرد که مرزبندی دقیقی در برابر دشمنان اسلام است. در این رابطه می‌توان از آیه‌ی ۱۴۴ سوره‌ی نساء یاد کرد که سرپرستی کافران و یا دوستی آنان را به‌طورکلی نهی کرده است، خواه سلطه‌ای از سوی آنان بر مسلمین صورت گیرد خواه این امر صورت نپذیرد. خداوند در آیه بعدی جزای چنین کاری را «درک اسفل» از دوزخ دانسته است. پرواضح است تحریم برقراری ارتباط با کافران در قلمرو دوستی و یا سرپرستی به دلالت التزامی به صراحت می‌رساند که پذیرش هرگونه سلطه‌ی بیگانگان و نیز زمینه‌سازی برای حاکمیت و سلطه‌ی آنان، حرام و موجب کیفر آتش دوزخ است. بنابراین، هرگونه رابطه‌ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عزل و نصبی که موجب سلطه کفار شود حرام است. در آیه ۱۱۸ سوره‌ی آل‌عمران نیز خداوند مؤمنین را از نزدیکی و همراهی با کفار انذار می‌دهد و بر این نکته دلالت می‌کند که اعتماد و دل‌بستگی به بیگانگان، موجب نابودی خرد و فکر مسلمانان می‌شود (رحمانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲). بر این مبنا آن‌چنان‌که ملاحظه شد، قاعده نفی سبیل ناظر بر مجموعه اقدامات مؤمنانه و مدبرانه‌ای خواهد بود که با فهم دقیق از مفهوم «قدرت» و «دیگری» راه را بر هرگونه زمینه‌سازی سلطه‌جویانه می‌بندد.

۲-۳. چیستی و معناشناسی مفهوم ایمان مؤمنانه در آموزه‌های قرآنی

گفته شد که در قرآن اصل مرزبندی، متعدد به چشم می‌خورد و از جمله این مرزبندی‌ها نیز در

تفاوت میان مسلمان و مؤمن است. پس از فتح مکه از سوی رسول گرامی اسلام (ص) بادیه‌نشینان بسیاری اظهار اسلام کردند و خود را از ایمان آوردن آنان را به اسلام آوردن تنزل داد. بر این مبنا به نظر می‌رسد پیامبر نازل شد که ادعای ایمان آوردن آنان را به اسلام آوردن تنزل داد. بر این مبنا به نظر می‌رسد بین ایمان آوردن و اسلام آوردن باید تفاوت‌های معتابهی موجود باشد. به بیان دیگر می‌توان گفت که مفهوم ایمان و کیستی مؤمن در قرآن کلیدی‌ترین عنصر ساخت آرمان تمدن اسلامی از حیث ایجابی است. در تفسیر «اطیب‌البیان» نیز به این موضوع اشاره شده است که: «در فرق بین ایمان و اسلام پنج فرق گذارده‌اند: ۱. اسلام مجرد اقرار لسانی است بدون ایمان قلبی مثل اسلام منافقین که مادامی که کشف نفاق آنها نشده احکام اسلامی ظاهریه بر آنها بار است ولی در آخرت فی‌الدرك الاسفل من النار هستند. ۲. اقرار لسانی و ایمان قلبی لکن هنوز رسوخ در قلب نکرده و اگر تا موقع وفات باقی باشد در زمره‌ی اهل نجات هستند و ظاهراً همین‌ها مراد باشند در این آیه که می‌فرماید: و لم‌یدخل الایمان فی قلوبکم؛ یعنی رسوخ نکرده در قلب هنوز. ۳. اسلام با رسوخ در قلب لکن ملکه نشده اسم آن را ایمان عاریتی می‌گذارند و در معرض زوال است و ایمان ملکه شده و دیگر قابل زوال نیست. ۴. اسلام ملکه شده لکن آلوده به معاصی شده و ایمان مقرون به اعمال صالحه و تقوی است. ۵. اسلام اخص از ایمان است که به معنی تسلیم است نسبت به جمیع واردات و بلیات و مشکلات. و ان تطیعوا الله و رسوله لا یلتکم من اعمالکم شیئا؛ که اگر ایمان قلبی و لو ضعیف باشد عبادات و اطاعات شما مقبول و پذیرفته است چون شرط صحت کلیه‌ی عبادات ایمان است و لو ضعیف باشد. ان الله غفور رحیم؛ هم گناهان شما را می‌آمرزد و می‌بخشد و هم عبادات شما را ثواب و اجر می‌دهد»^۱.

لازم به ذکر است که اسلام دارای سه محور کلی اعتقادیات، اخلاقیات و قوانین یا شریعت است و ایمان نیز در همین راستا قابل‌سنجش و تعریف است. یعنی نؤمن به بعض و یکفر ببعض با ایمان در تنافی است (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۲۸-۲۷). در مورد کیستی مؤمن و تفاوت آن با مسلمانانی که تنها اظهار اسلام می‌کنند می‌توان به سوره‌ی عصر اشاره کرد که در آن خداوند تعالی با قسم خوردن به عصر و زمان همه را در حال خسران و زیان دیدن معرفی می‌کند مگر آنان که

۱. سیدعبدالحسین طیب، تفسیر اطیب‌البیان، قابل‌دسترس در:

ایمان آوردند، عمل صالح انجام می‌دهند و یکدیگر را به حق‌گرایی و صبر در برابر شدائد سفارش می‌کنند (عصر/۳-۱). در آیه‌ی ۷ سوره‌ی بینه نیز عمل صالح پس از ایمان آمده است؛ در سوره‌ی احزاب که به جنگ کفار عرب با مسلمین مدینه می‌پردازد ابتدا به مسأله‌ی ترس برخی از مسلمین و شک و تردید منافقین اشاره می‌کند و در آیات ۲۲ و ۲۳ به عمل و ویژگی‌های مسئولانه‌ی مؤمنان می‌پردازد و در آیه‌ی ۲۴ نیز وعده‌ی الهی را متذکر می‌شود؛ آنچه که از منظر تحلیل هرمنوتیکی آیات مذکور دریافت می‌شود بیانگر این نکته است که در واقع مسلمان بودن و متقی بودن به معنای مسئول بودن در برابر فرمان الهی و جامعه‌ی مسلمین است و رحمت خدا شامل کسانی است که از خدا و رسول خدا اطاعت کرده و وظایف ایمانی خود را انجام می‌دهند نه کسانی که بدون عمل به فرامین، انتظار رحمت و ترحم الهی دارند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۴۵). بدین ترتیب مطابق دریافت از آرای فوق، تفاوت مسلمان و مؤمن در ایمان قلبی و انجام مسئولیت‌های ایمانی است که در صورت انجام آن رحمت و عنایت الهی مشمول مؤمنان می‌شود. بر این مبنای مؤمن دارای سبک زندگی منبعث از آموزه‌های اسلامی در سه ساحت اعتقادات، اخلاقیات و شریعت است که در سه سطح قلبی، زبانی و عملی او بروز و ظهور می‌یابد و امنیت وی را تضمین می‌کند.

۳-۳. چیستی مفهوم تمدن

تمدن را می‌توان به معنای خارج شدن یک جامعه از مرحله‌ی ابتدایی و وحشی‌گری دانست (دهخدا، ج ۳، ۱۳۷۷، ص ۳۲۵). از منظر مفهومی برخی معتقدند تمدن شامل نظام بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جغرافیایی وسیع و پهناور می‌شود که صرفاً امپراطوری‌ها را در بر می‌گیرد. ویلیام جیمز دورانت تاریخ‌نگار شهیر غربی قرن ۱۹م تمدن را نظامی اجتماعی می‌داند که به دنبال آن، خلاقیت فرهنگی ممکن شده و جریان می‌یابد و چهار رکن پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر را برای تمدن اساسی می‌داند. از نظر وی تمدن زمانی ممکن است که هرج‌ومرج و ناامنی پایان گرفته باشد چراکه تنها در این هنگامه نیاز به اختراع و ابداع پدیدار شده و انسان را به سوی کسب معرفت و دانش سوق می‌دهد (دورانت، ج ۱، ۱۳۷۸، صص ۱۶-۱۸). برخی نیز تمدن را شامل قانون، نظام اداری، خط‌الغیا، زبان، اعتقادات دینی، تکامل علم و نظایر آن می‌دانند.

اندیشمندان مسلمان نیز در رابطه با تمدن آرای قابل‌بررسی دارند از جمله ابن خلدون، اجتماع بشری، دولت و تمدن را محصول عصبیت می‌داند که مردم را به یکدیگر مربوط ساخته و مایه‌ی کار جمعی و تعاون آنان است. دین نیز بر نیروی عصبیت می‌افزاید و عصبیت هم نقطه اتکای دین است که این دو نیرومندترین عوامل پدیدآیی تمدن هستند (حسین، ۱۳۸۲، صص ۷۸-۸۸). علامه طباطبائی تمدن را حاصل تفکر آدمی در سالیان متمادی می‌داند. شهید مطهری تمدن را در ارتباط با جامعه دانسته و علم و فنون را در آن با اهمیت وصف می‌کند که با مجموعه آداب و مراسم خاص نمایان می‌شود. تمدن‌ها به صورتی مداوم رشد و تکامل می‌یابند اما لزوماً هر تمدنی نسبت به قبل خود پیشرفته‌تر نیست و می‌تواند سیر قهقراپی داشته باشد. راز تکامل و تمدن به فطرت انسان بازمی‌گردد چراکه فطرت انسان کمال‌طلب است و حدی را در این تکامل نمی‌بیند. مطهری هر جامعه‌ای را مبتنی بر تمدن نمی‌داند چراکه تمدن به موجب فرهنگ بالنده و تفکر زاینده درونی پدیدار می‌شود. درواقع جوامع می‌توانند تحت تأثیر تمدن‌های دیگر باشند و یا دچار فرهنگ واگرایی بوده که توان ساخت تمدن را نداشته باشد. مطهری معتقد است که تمدن تجلی فرهنگ بوده و فرهنگ نیز روح تمدن است. مطهری تمدن اسلامی را از ثمرات اسلام دانسته که به وسیله جامعه مسلمین در قرون گذشته ایجاد شد که مراحل مختلفی را از ظهور تا ضعف و گسست را طی کرده است (رجبی، ۱۳۹۸، صص ۱۴-۱۶).

سید حسین نصر نیز معتقد است: «یک تمدن حقیقی از دیدگاه اسلامی آن است که همه‌ی جنبه‌های زندگی انسان را متوجه خداوند و فطرت خویش سازد، به طوری که او بتواند نقش جانشینی خداوند را که به سبب آن در زمین استقرار یافته است، برآورد. عظمت و حتی اصالت یک تمدن از دیدگاه اسلام، بستگی به این دارد که آن تمدن چقدر می‌تواند زمینه توجه مردان و زنان را به هدف زندگی انسانی، یعنی پرستش خداوند و رفتاری در خود جانشینی خداوند در میان مخلوقات او فراهم سازد. نه اینکه عظمت و اصالت آن را به این اساس بسنجد که چقدر آن تمدن می‌تواند امکانات مادی و رفاهی فراهم کند. از دیدگاه اسلامی ارزش هر تمدنی باید بر اساس تحقق هدف نهایی انسان در زمین باشد، نه چیز دیگر» (نصر، ۱۳۷۹، ص ۱۱۶). با توجه به نکات مذکور، به نظر می‌رسد فرایند تمدن‌سازی حاصل کوشش گسترده در رابطه با تولید علم و فن بومی و مستخرج از هویت یک ملت است هرچند که در این مسیر یک تمدن می‌تواند از تجربیات ملل و تمدن‌های دیگر بهره گرفته باشد؛ اما موظف است که سبک زندگی و الزامات مبتنی بر

هویت خود را پدیدار سازد به‌گونه‌ای که این امر ورای تقلید و بر اثر اجتهاد باشد و درعین حال موجب افزایش امنیت و مانایی تمدنی باشد.

۴. الزامات تضمینی قاعده نفی سبیل در ایجاد امنیت هستی‌شناختی

ماهیت سبک زندگی مؤمنین بر محور سنت‌های الهی معنادار می‌شود و مؤمن باید بداند که سنت الهی «نفی سبیل» در چه شرایطی حدوث خواهد یافت. در این راستا سیدمحمد باقر حکیم در ذیل آیه ۱۱ سوره‌ی رعد مبنی بر سنت الهی «تغییر» می‌نویسد: «انسان همان‌گونه که هدف تغییر اجتماعی است، ابزار تغییر اجتماعی نیز می‌باشد» (حکیم، ۱۳۸۷، ص ۳۶۱) در واقع انسان‌های معترف به اسلام باید به وظایف ایمانی که خداوند بدان دستور داده عمل کنند تا برکات سنت‌های وعده داده‌شده‌ای چون «نفی سبیل» درباره‌ی ایشان جاری شود. همچنان که در آیه‌ی ۲ سوره‌ی مائده خداوند می‌فرماید: «و اگر خدا می‌خواست مسلماً همه‌ی شما را هدایت می‌کرد» که نشان از مشروط بودن هدایت و وعده‌ی الهی به عمل مؤمنانه است؛ بر این مبنا در ادامه به بایسته‌ها و الزامات قاعده‌ی نفی سبیل توسط مؤمنان پرداخته می‌شود. مقاله در ادامه بر اساس تحلیل محتوای آرای علمای متقدم و علمای متأخر و تأثیرگذار شیعه نشان می‌دهد که قاعده نفی سبیل چگونه منجر به افزایش امنیت هستی‌شناختی می‌شود و این امنیت چگونه در فرایند ساخت تمدن نوین اسلامی ایفای نقش می‌کند. برای نیل به این هدف، نگرش علمای شیعی به مفاهیم عقل و جهل، ثروت، علم و قدرت نظامی به‌عنوان شاخص‌های امنیت ساز در ادامه مقاله، ارزیابی و تحلیل می‌شود:

۴-۱. شناخت عقل و جاهلیت

همچنان که در مبحث نظری مقاله نشان داده شد، امنیت هستی‌شناسی ناظر به مابعدالطبیعه است و در نتیجه اعتقادات و جهان‌بینی‌ها به مرزبندی‌ها و لذا تهدیدات امنیتی منجر می‌شوند. در این راستا مطابق با تفاسیر قرآنی شیعیان باید متذکر شد که سلطه‌ی تمدنی زمانی از جانب اغیار بر مؤمنین میسور خواهد بود که مؤمنین از درک کیستی دشمن خود عاجز یا غافل باشند. مطابق آموزه‌های تفسیری، جاهلیت یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که خداوند درباره‌ی آن به مؤمنین تذکر می‌دهد. بر مبنای آیات قرآن، جاهلیت به معنای «اصالت دادن به زندگی مادی» و تلاش برای

به حداکثر رساندن بهره‌گیری از لذاذذ دنیوی است که با انکار و یا تصغیر زندگی آن جهانی، معاد را تکذیب و زندگی را در دنیا منحصر می‌داند (دخان/۳۴-۳۶). از همین روی آیات متعددی با ارائه‌ی مثال از مردم عرب پیش از ظهور اسلام، شیوه‌ی زندگی جاهلی را تبیین می‌کند.^۱ به‌طورکلی آنچه در قرآن و از زبان کفار، مظهر جاهلیت عنوان می‌شود؛ ترجیح کفر بر توحید، ماده‌گرایی و انکار معاد است (جائیه/۲۴).

بر مبنای آیات سوره‌ی کافرون، کفار که مظهر جاهلیت هستند تلاش می‌کنند از طرق مختلفی چون تهدید، تطمیع و اغواگری مسیر مؤمنین را از حق منحرف ساخته، دعوت مردم به صراط مستقیم را با مانع مواجه کنند. در برابر این روند، امام جعفر بن محمد (علیه‌السلام) بر ضرورت شناخت عقل و جهل از سوی مؤمنین تأکید می‌فرماید (اصول کافی، ج ۱، روایت ۱۴). امام خمینی در شرح این حدیث، شناخت جنود عقل و جهل را مقدمه‌ای بر یافتن راه هدایت می‌داند که کمال، تنزیه و تصفیه‌ی نفس را به همراه داشته و اساس معرفت الهی است و «این معرفت برای آن است که معرفت به مهلکات و منجیات نفس و طرق تخریبی از آن‌ها و تحلی به این‌ها پیدا نشود... الا به شناخت جنود عقل و جهل» (امام خمینی، ۱۳۹۱، ص ۱۸).

بیشتر گفته شد که جاهلیت مدرن چه ویژگی‌هایی دارد که مطابق این رویکرد که در مواضع متعدد آیت‌الله خامنه‌ای نیز دیده می‌شود^۲ باید جاهلیت مدرن را فهم کرد تا در برابر سلطه‌ای که از طریق دانش و تبلیغات رسانه‌ای پی می‌گیرد، بتوان ایستادگی کرد. در واقع از منظر علمای شیعه، جنود جاهلیت در تلاش هستند تا عقلانیت وحی‌پذیر را به فراموشی بسپارند و شناخت عقل و جهل سبب قلب هویت تمدنی شده و لذا نمی‌توان در مسیر تمدن‌سازی بدون مراقبت از هویت و اصول پدیدآور آن یعنی ساحت عقل قرار گرفت. ساحتی که ارزش و ضد ارزش، خیر و شر و

۱. بنگرید به این آیات: حدید، آیه ۲۰؛ نحل، آیات ۵۸ و ۵۹؛ نساء، آیه ۲۳؛ اسراء، آیه ۳۲؛ نور، آیه ۲۳؛

بقره، آیات ۲۷۵، ۲۱۹ و ۲۷۶؛ مائده، آیه ۹۰؛ انعام، آیه ۱۵۱؛ تکویر، آیه ۸

۲. بنگرید به: بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، ۱۳۸۹/۰۴/۱۹ «خودخواهی»، «بی‌بندوباری»،

«آزادی لجام گسیخته» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶) (نامه رهبر

انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی، ۱۳۹۴/۰۹/۰۸) (بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی

انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹)

فضیلت و رذیلت را تعیین می‌سازد و بر پایه‌ی امنیت هستی‌شناختی، هویت اصیل اسلامی را شکل می‌دهد.

۴-۲. تولید علم

مطابق با آنچه در بحث نظری در مورد امنیت هستی‌شناسی آمد، حفظ هویت الزاماتی دارد که در آن باید به حفظ عزت، شرافت و غرور توجه شود. ایستادن بر قله‌های علم و دانش مایه‌ی شرافت یک جامعه خواهد بود؛ بر این مبنا تولید دانش سودمند امری مهم تلقی می‌شود. امری که در بیانات معصومین علیه‌السلام نیز بدان توجه شده است، علم سودمند، برخی فضایل است که دارا بودن یا نبودنش متوجه نفعی برای فرد و جامعه نیست (رک: میزان الحکمه، ح ۱۴۱۱۴ به نقل از امالی صدوق، ج ۱۳، ص ۲۲۰). دانش سودمند در واقع به نسبت با نیاز معنادار می‌شود و این نیاز از منظر امنیت هستی‌شناسی، در رابطه با نظام بین‌الملل و حفظ و شرافت و غرور قابل تبیین است. خروجی دانش نیز محصولی است که رفع نیاز کرده و به قدرت منجر می‌شود. واضح است که حفظ هویت با سرخوردگی و ضعف در تناقض خواهد بود.

از جمله مظاهر سلطه‌ی کفار بر مسلمانان را می‌توان در ساحت دانش و علم جست‌وجو کرد. جهان اسلام برخلاف گذشته که دانشمندان بزرگ و مولد علوم را می‌پروراند، در عصر کنونی مترجم و مقهور علوم تولیدی در غرب و دانشمندان غیرمسلمان است. این در حالیست که فراگیری و توجه به علم فریضه است چنانکه خداوند در قرآن کریم به پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/۱۱۴). پیامبر اسلام در همین راستا می‌فرماید: «بر هر مسلمانی واجب است که علم طلب کند تا دانا گردد، همانا خداوند طالبان علم را دوست می‌دارد» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۰). در آموزه‌های اسلامی کسب و تولید علم جایگاه والایی دارد به‌طوری‌که رسول اکرم صلی‌الله‌فرمود: «همانا به‌وسیله علم است که خداوند اقوامی را بلند می‌کند و پیشوای دیگران قرار می‌دهد. دیگران آثار آن‌ها را اقتباس می‌کنند و به عمل آن‌ها هدایت می‌یابند و از فکر آن‌ها استفاده می‌برند. علم، حیات دل‌ها و نور چشم‌ها و نیروی بدن‌هاست. علم آدمی را به جایگاه نیکان و درجات عالی دنیا و آخرت می‌رساند» (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۸۷).

هرچند اسلام قائل به مرزبندی است اما در باب آموختن علم، حتی اگر از دشمن اسلام باشد

آن را سفارش می‌کند چه آنکه در جنگی پیامبر فدیهای آزادی کفار محارب را یاد دادن خواندن و نوشتن به مسلمین قرار داد. چنانکه امام علی (ع) در مورد جایگاه علم می‌فرماید: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ» (شرح نهج البلاغه، ۱۴۰۴، ج ۳۰، ص ۳۱۹). «دانش سلطنت است، هرکه آن را بیابد با آن یورش برد و هرکه آن را از دست دهد، بر او یورش برند». یافتن دانش به معنای صرف به دست آوردن دانشی که دیگران دارند نیست؛ بلکه به معنای تولید دانش و فرا رفتن از مرزهای دانش است. بر این مبنا توقف مسلمین در آموختن علم به‌تنهایی نیز سبب رفع سلطه‌ی کفار بر آنان نخواهد شد.

از همین روی آیت‌الله جوادی آملی طی سخنرانی در باب تولید علم و تفاوت آن با علم‌آموزی می‌گوید: «ما طبق دستور که فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ» باید طلب علم را فریضه بدانیم، این تا، تای تأنیث نیست، بلکه تای مبالغه است؛ یعنی طلب علم خیلی خیلی واجب است... نه تنها باید آگاه بلکه باید معلم باشیم و مسیر این امر را نیز دین مشخص کرده است و تأکید داشته تا وقتی جان در بدن دارید، دست از آموختن و تحقیق و پژوهش بر ندارید... امام صادق (ع) به یکی از اصحاب خود فرمود این‌گونه نباشد که فقط کتاب دیگران را جمع‌آوری کنی، بلکه خود دست‌به‌قلم بردار و کتاب تألیف کن تا فرزندان تو کتاب‌های خود تو را به ارث ببرند؛ انسان پست همت را، دین نمی‌پسندد... دلال علم به جایی نمی‌رسد، محقق نباید به دلالتی علم اکتفا کند، برخی مانند بانک و موزه هستند که در خود گنجینه‌های ارزشمندی را انبار می‌کنند اما برخی مانند دریا هستند که خود مروارید و لؤلؤ پرورش می‌دهد، پژوهش یعنی تولید علم و نه دلالتی علم»^۱.

بر این مبنا مؤمنین ابتدا باید در کسب علم و دانش بکوشند و سپس خود معلم و مولد علم و دانش باشند. در واقع تولید علم به معنای پرهیز از انجماد فکری و فهم اقتضائات و نیازهای روزآمد است که از وابستگی و ذلت مسلمین جلوگیری کرده و آنان را پیشتازان تمدنی می‌سازد. در این راستا عبدالحسین خسروپناه تصریح می‌کند: «گرچه ساختن صنایع مضر، به حکم اولی مشروعیت ندارد؛ لکن به حکم ثانوی می‌تواند مشروعیت داشته یابد؛ همان‌گونه که سیره پیامبر، به ساختن شمشیر و امکانات نظامی اجازه می‌داد. حال نکته دیگری را باید منظور داشت که بهتر است با

۱. سخنرانی آیت‌الله جوادی آملی در جمع برخی طلاب علوم دینی، قم، بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء،

کمک تکنولوژی اسلامی به صنعتی دست‌یافت که تأثیر تخریبی صنایع مضر، همچون بمب اتم را خنثی کند، نه اینکه در مقابل بمب اتم دشمنان بشریت به ساختن بمب اتمی پرداخت که علاوه بر نابودی بشریت، تخریب طبیعت را به همراه داشته باشد» (خسروپناه، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۷۷).

رهبر انقلاب اسلامی نیز در باب ضرورت دستیابی جوامع مسلمان به علوم روز و تولید علم می‌گوید: «امروز همه‌ی همت ما این است که نه فقط علم، بلکه فرآورده‌های عملی و فناوری و خرده تکنولوژی را از آن‌ها یاد بگیریم و از آن‌ها تقلید کنیم؛ این کاری نیست که یک ملت باید به آن همت گمارد. البته این کارها باید بشود و چاره‌ای نیست. وقتی انسان چیزی را ندارد، آن را از کسی که دارد، می‌گیرد. وقتی ساخت آن را بلد نیست از کسی که بلد است یاد می‌گیرد. در این شکی نیست، اما باید راه نو و فکر نو و بن‌بست‌شکنی را وجهه‌ی همت خود قرار دهد.»^۱ وی در جایی دیگر تصریح می‌دارد: «ما نباید به فراگیری قانع باشیم، باید هدف تحقیق و آموزش ما تولید علم باشد؛ یعنی رسیدن به آنجایی که نوآوری‌های علمی در فضای موجود بشری، از آنجا شروع می‌شود. ما از لحاظ استعداد نسبت به کسانی که دانش را در دنیا تولید کردند، گسترش دادند، پیش بردند، بر اساس دانش، فناوری‌های پیچیده را به وجود آوردند، کمبود نداریم.»^۲ بر این اساس، مبتنی بر قاعده نفی سبیل و امنیت هستی‌شناسی، حفظ هویت با تولید دانش رابطه‌ی ناگسستنی دارد چرا که مایه‌ی عزت و غرور و نیز حفظ شرافت مسلمین نسبت به غیر یعنی کفار خواهد شد.

۳-۴. تولید ثروت

یکی از اصول مشخص حکمرانی را از منظر امنیت هستی‌شناختی باید ناظر بر این نکته دانست که نمی‌توان با فقر اقتصادی، هویت را از مخاطرات مختلف در امان نگاه داشت. جامعه‌ی فقیر از هر سویی مورد هجوم قرار می‌گیرد و نمی‌تواند به دلیل نیازهایی که وجود دارد خود را مراقبت کند. تسلط اقتصادی می‌تواند راه تسلط سیاسی و به تبع آن تسلط فرهنگی را بگشاید (ایزدهی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰). بنابراین حفظ «هویت»، «غرور» و «عزت» نیازمند بایسته‌های مختلفی

۱. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و افراد ممتاز آزمون‌های ۸۰ و ۸۱، ۱۳۸۱/۷/۳.

۲. بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۲/۸/۸.

از جمله تولید ثروت است. در این راستا می‌توان از این حکم امام خمینی بهره گرفت که طی آن دادوستد با کافر را طی شرایطی دارای مخاطرات فرهنگی می‌داند: «اگر روابط بازرگانی دول یا تجار با بعضی از دول یا تجار بیگانه، ترس بر بازار مسلمین و زندگی اقتصادی آن‌ها باشد واجب است آن را ترک کنند و چنین تجارتی حرام می‌باشد. و در صورت چنین ترسی، بر رؤسای مذهب (واجب) است که کالاهای آنان و تجارت با آن‌ها را طبق مقتضیات زمان تحریم نمایند. و بر امت اسلامی متابعت آنان (واجب) است، چنانکه بر همه‌ی آن‌ها واجب است که در قطع این روابط جدیت کنند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۵۳). بنا بر این حکم فقهی می‌توان استنباط کرد که برای جلوگیری از تسلط به‌ویژه اقتصادی اغیار بر مؤمنان، مسئله‌ی تولید ثروت بسیار اهمیت می‌یابد. در این ارتباط مرتضی مطهری نیز تصریح می‌کند که اسلام بر اساس مقتضیات زمان، نیازها و حاجات را در قالب فقه و اجتهاد تعریف می‌نماید، حال آنکه در جهان امروز افزایش توان اقتصادی نقش بسیاری در نیرومند ساختن ملل اسلامی و عدم برتری کفار بر ایشان داراست (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۳۹).

بر این اساس و در شرایطی که برخی دولت‌های خارجی از مناظر گوناگون نصیب‌هایی را به دست آورده و برتری دارند، این مسئله نشان می‌دهد که مؤمنان وظایف الهی و دینی خویش را به‌تمامی انجام نداده و بر آبادانی سرزمین خویش همت نگمارده‌اند و به دیگران با بی‌تفاوتی اجازه‌ی سلطه‌یابی داده‌اند. از این منظر و بر اساس آرای فقهای شیعه زمانی که موجودیت ایمانی به خطر می‌افتد جهاد واجب می‌شود (عمید زنجانی و موسی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۳۱)؛ مفهوم نفی سبیل در تمام شرایط زمانی و مکانی از صدر اسلام تا حال حاضر نشان می‌دهد که تولید ثروت و پویایی اقتصادی از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های ایمانی بوده و باید بر تحقق این مهم همت گمارد. در این چارچوب، آموزه‌های دین اسلام هرچند حب مال و دنیاپرستی را مذمت می‌کند (منافقون/۹). اما به‌واسطه‌ی رشد جامعه بر تولید ثروت و درعین حال انفاق از آن تأکید فراوانی دارد (منافقون/۱۰). پیامبر اسلام می‌فرماید: «خوب چیزی است مال صالح از برای مرد صالح» (نراقی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۴). بر این مبنا اسلام نه تنها با تولید ثروت مخالف نیست، بلکه بر ضرورت آن نیز با حفظ و رعایت احکام دینی و شریعت تأکید می‌ورزد. در این باره آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «دارایی و ثروت گرچه در تأمین زندگی و رشد و تعالی انسان، سهم دارد، اگر نگاه به آن ابزاری نباشد و هدف قرار گیرد مایه‌ی سقوط آدمی و حرمان او از کمال و سعادت می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۵۷۶).

در احادیث مختلف، پیامبر اسلام از مردانی که به کسب روزی حلال از خانه خارج می‌شوند به‌مثابه‌ی مجاهد فی سبیل‌الله یاد شده و کسب روزی حلال بالاترین عبادت محسوب می‌شود (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۲۶). همچنین آیات فراوانی در قرآن نیز وجود دارد که به آبادی زمین توسط انسان‌ها امر می‌کند (هود/۶۱). در روایتی از رسول‌اکرم صلی‌الله‌آمده است: «کسی که بار زندگی خود را بر دوش دیگران بیفکند (و بخواهد از دسترنج مردم زندگی خود را بگذراند) رانده و مطرود درگاه باری‌تعالی است و نیز کسی که حقوق خانواده خود را ضایع کند ملعون است» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۷). بر این مبنا قرآن و حدیث بر کار و تولید اقتصادی تأکید می‌ورزند و البته کارکردهای آن را نیز مشخص می‌کنند. کارکردهایی چون «انفاق» که سبب می‌شود مؤمنین از یکدیگر دستگیری کنند و به طبع اجازه ندهند تا مسلمین و بندگان خدا دست نیاز به‌سوی غیر برند. در کلام رسول‌اکرم صلی‌الله‌این افراد به‌عنوان دوستان خدا توصیف می‌شوند (مصباح‌الشریعه، ۱۳۶۰، ص ۲۲۰). همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مؤمن کسی است که کسبش حلال و اخلاقش نیکو و باطنش سالم باشد و زیادی مالش را انفاق کند» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۳۱). افزون بر این، سیره‌ی امامان معصوم از جمله امام اول شیعیان علیه‌السلام، مبتنی بر کار و تلاش فراوان اقتصادی است. از وصیت‌نامه در مورد املاک شخصیشان این مسئله واضح است که حضرت تا چه میزان به رفع فقر و تولید ثروت اهمیت می‌داده است. امام صادق نیز در حوزه‌ی تجارت فعالیت می‌کردند (محرمی، ۱۳۹۶، صص ۲۵۷-۲۴۶).

از منظری کارکردگرایانه، زمانی که افراد امت اسلامی خود نیاز اقتصادیشان را برطرف می‌کنند نیازی به اغیار نیست. زمانی که برای برخی از مؤمنان در جنگ، سیل، زلزله، قحطی و نظایر آن مصیبتی پدیدار می‌شود، مسلمین و مؤمنین به وسیله‌ی قدرت اقتصادی خود به یاری برادران ایمانی می‌شتابند و نیازی نیست از قدرتهای اقتصادی غیرمسلمان تقاضا و چشمداشت کمک داشت. در یک‌کلام می‌توان اظهار داشت اقتدار اقتصادی و تولید ثروت مایه‌ی حفظ دین و ایستادگی در مقابل نفوذ فرهنگی و استیلای اغیار بر تمدن اسلامی است چرا که نیاز معیشتی وجود نخواهد داشت.

۴-۴. اقتدار نظامی

از منظر نظریه امنیت هستی‌شناختی، هویتی که توان مقابله سخت‌افزاری از مرزهای خود را

نداشته باشد و در هجوم دشمن متخاصم خود نتواند پاسخ متقابل و هم‌سطح بدهد؛ توان حفظ غرور و عزت خود را نیز نخواهد داشت و طبیعی است که دچار سرخوردگی تمدنی می‌شود. بر این مبنا، قدرت نظامی حافظ اصلی یک هویت و فرهنگ و تمدن خواهد بود. امری که در قرآن بسیار بدان هشدار داده شده است: (وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ) این بدان معناست که اسلام در پی ضعف و وادادگی نبوده و مؤمنان را به کسب قدرت و افزایش نیرو (البته با در نظر گرفتن اخلاقیات و احکام شرع و به‌عنوان وسیله و ابزار برای نجات مستضعفین از شر مستکبرین) تشویق می‌کند.

جوادی آملی در کتاب تفسیر موضوعی قرآن کریم در مورد امور نظامی چنین می‌نویسد: «امنیت در جامعه، دفاع از هرگونه تهاجم بیگانه، ظلم‌ستیزی و تطلم‌گریزی و دارا بودن قدرت در تمام زمینه‌های زندگی خصوصاً قدرت دفاعی برای جلوگیری از هرگونه تهاجم نظامی، شرط لازم برای زندگی اجتماعی است که خداوند مسلمانان را بدان توجه داده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۴). امام علی (ع) در مورد جایگاه و ضرورت جهاد می‌فرماید: «همانا جهاد در راه خدا، ذری از درهای بهشت است، که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا و زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می‌پوشاند و دچار بلا و مصیبت می‌شود و کوچک و ذلیل می‌گردد. دل او در پرده‌ی گمراهی مانده و حق از او روی می‌گرداند، به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۷). در این خطبه، حضرت بر ضرورت جهاد از آن روی تأکید می‌ورزند که سبب عزت مؤمنین و فرار از آن موجب ذلت می‌شود. همچنان که عدم ایستادگی کوفیان در برابر معاویه و اهل شام سبب لرزان شدن حکومت علوی و درنهایت شهادت امام و نیز صلح امام مجتبی شد (رک: ثقفی، ۱۴۰۱).

«مقابله‌به‌مثل» در برابر دشمنان و ستمگران نیز اصلی است که خداوند در آیه‌ی ۱۲۶ سوره‌ی نحل بدان سفارش می‌کند که البته این رویکرد همراه با شکیبایی و پایداری است. افزون بر این، اصل «جهاد و شهادت» در قرآن بسیار ممدوح است که در برابر دشمنان اسلام به‌واسطه‌ی پیشگیری از عدم تفوق آنان بر امت اسلامی و مؤمنین صورت می‌پذیرد و خداوند در آیات متعددی نظیر آل‌عمران آیه‌ی ۱۵۷، مائده آیه‌ی ۳۵، فرقان آیه‌ی ۵۲، بقره آیه‌ی ۱۵۴ بدان تصریح

می‌دارد. قاعده‌ی نفی سبیل که پیشتر از نظر گذشت نیز از این جمله است. آیت‌الله جوادی آملی آخرین عنصر نظامی را «پایداری» و تحمل سختی می‌داند و اظهار می‌دارد: «زمان رسول خدا (ص) چه بسا در جنگی، بسیاری از پیروان او به شهادت می‌رسیدند و مؤمنان به سختی و تعب می‌افتادند؛ اما مقاومت می‌کردند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۸). همچنین می‌افزاید: «در تعالیم و حیانی، شرط پیشرفت نظامی اجتماعی، ایستادگی است و در حقیقت، سبب بالندگی، پایداری است، از همین روی خداوند جامعه‌ی اسلامی را به آن امر می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا) (انفال / ۴۵).

در آیه‌ی ۱۲۳ سوره‌ی توبه آمده است: «ای اهل ایمان، با کافران از آنان که با شما نزدیک‌ترند شروع به جهاد کنید و باید کفار در شما درستی و نیرومندی و قوت و پایداری حس کنند و بدانید که خدا همیشه با پرهیزکاران است» در این آیه که بر مقاتله با کافران نزدیک امت اسلامی اشاره دارد در واقع بر همان رزمایش‌هایی تأکید می‌کند که به موجب آن افزون بر تأمین مرزهای تمدنی، مایه‌ی ترس از قدرت اسلام در نظر کفار دیگر نیز می‌شود که مطابق آیه می‌توان ضرورت اقتدار نظامی را استنتاج کرد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که جنگ یا جهاد تدافعی و بازدارندگی، یکی از اصلی‌ترین روش‌های نفی سبیل برای مقابله ملت‌های مسلمان در برابر تهاجم و تجاوزات احتمالی بیگانگان به تمامیت ارضی آنان است. این قاعده که به «دفاع مشروع» موسوم است، امروزه در حقوق بین‌الملل نیز به رسمیت شناخته‌شده و مطابق آن هر کشور مجاز است در برابر متجاوزان به دفاع از خود پردازد.

نتیجه‌گیری

این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای آموزه‌های تفسیری قرآن در نزد علمای متقدم و متأخر شیعه و نیز مبتنی بر آموزه‌های چارچوب نظری امنیت هستی‌شناسی، قاعده هویت‌ساز «نفی سبیل» را به‌عنوان مؤلفه‌ای اساسی در برساختن و بازآفرینی تمدنی مورد تأکید قرار داد. این مقاله استدلال کرد که آنچه به‌عنوان تمدن‌سازی اسلامی ایرانی مورد نظر است؛ تمدنی است که هدف از آن همان هدف متوسط و عالی از خلقت یعنی بندگی و تقرب به خدای واحد است که تحقق این هدف، بدون امنیت هستی‌شناختی، بعید به نظر می‌رسد. در همین راستا مقاله نشان داد که

آموزه‌های قاعده‌ی نفی سبیل می‌تواند به‌عنوان مؤلفه‌ای اثربخش، امنیت هستی‌شناختی را در یک تمدن بازتعریف و تضمین کند. به بیان بهتر قاعده نفی سبیل قاعده‌ای هویت‌ساز و متضمن مفاهیمی نظیر «عزت»، «شرافت» و «غرور» است که بدون در نظر گرفتن این مفاهیم هرگونه تلاش برای تمدن‌سازی ناکام خواهد ماند. همچنان که در مقاله نشان داده است؛ قاعده نفی سبیل درعین‌حال، قاعده‌ای سیال و پویاست که مبتنی بر تهدیدات، غیریت و تخصص و مرزبندی، شکل می‌گیرد و بنیان و هسته‌ی مرکزی‌اش حفظ هویت مؤمنانه است. نفی سبیل از این منظر درواقع پایبندی به یک سنت الهی است که پس از انجام مسئولانه و دقیق وظایف ایمانی متجلی خواهد شد. این قاعده چنانکه ملاحظه شد اصل مرزبندی را از اسلام و کفر به ایمان و کفر تغییر داده و ایمان را مبتنی بر تکالیف مؤمنانه و سبک زندگی ویژه تعریف می‌کند. بر این اساس، نفی سبیل بر حفظ امنیت هستی‌شناختی از طریق شناخت مرز عقل و جهل، ضرورت تولید علم «شرافت آفرین»، ضرورت تولید ثروت «عزت‌آفرین» و ایجاد اقتدار نظامی «غرورآفرین» تأکید ویژه داشته و حدود آن را نیز بر اساس تقابل ایمانی و مؤمنانه با کافران در نظر می‌گیرد. در این راستا همچنین ملاحظه می‌شود که حفظ فرهنگ و هویت ایرانی اسلامی به‌عنوان هسته‌ی اصلی تمدن‌سازی ایران اسلامی، باید بر مبنای روش‌هایی پایه‌ریزی شود که هدف و روش، تضاد درونی و ذاتی نداشته باشد.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ----- (۱۳۶۰)، مصباح الشریعه، ترجمه‌ی حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- ابن ابی‌الحدید معتزلی (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، قم، مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۷۰)، تاریخ کامل، ترجمه‌ی سید حسین روحانی، ج ۲، تهران، انتشارات اساطیر.
- ابن بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق) (۱۳۷۶)، الأمالی (للصدوق)، ترجمه‌ی محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابچی.
- ابن بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق) (۱۳۸۲)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ترجمه‌ی محمدرضا انصاری محلاتی، ج ۱، قم، نسیم کوثر.

- ابن بابویه، محمدعلی (شیخ صدوق) (۱۳۸۵)، من لایحضره النقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، محمدجواد غفاری و صدر بلاغی، ج ۴، تهران، دارالکتاب اسلامی.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۴۰۱)، ترجمه الغارات: سال‌های روایت نشده از حکومت امیرالمؤمنین (ع)، ترجمه سید محمود زارعی، تهران، بیان معنوی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۵ق)، کتاب البیع، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵)، تحریر الوسیله، ترجمه‌ی سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱ و ۲، قم، انتشارات دارالعلم.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۱)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- اندرزگو، سید محمود و نواده تویچی، حسین (۱۴۰۰)، بررسی تضاد قاعده نفی سبیل با نظریه جهانی شدن و جهانی‌سازی، فصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبنای حقوق، دوره ۱۵، (۴۴)، صص ۷۵-۹۳.
- ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۰)، فقه سیاسی امام خمینی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- بن ابی فراس، ورام و مسعود بن عیسی (۱۳۶۹)، مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه‌ی تنبیه الخواطر، ج ۱، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، ۱۳۸۹/۰۴/۱۹.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۲/۸/۸.
- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از برگزیدگان المپیادهای جهانی و افراد ممتاز آزمون‌های ۸۰ و ۸۱، ۱۳۸۱/۷/۳.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۲)، تاریخ سیاسی اسلام ۱، سیره‌ی رسول خدا (ص)، قم، انتشارات دلیل ما.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، دین‌شناسی، قم، مرکز نشر اسراء

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تفسیر موضوعی قرآن کریم جامعه در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاء، قم، مرکز نشر اسراء.
- حرانی، حسین بن علی (۱۳۶۳)، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم، مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی.
- حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، ج ۱، تهران، انتشارات میقات.
- حکیم، سیدمحمدباقر (۱۳۸۷)، جامعه‌ی انسانی از دیدگاه قرآن کریم، ترجمه‌ی موسی دانش، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- حکیمی، محمدرضا و محمد حکیمی و علی حکیمی (۱۳۸۰)، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۲)، کلام نوین اسلامی، ج ۳، قم، تعلیم و تربیت اسلامی.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۸)، تاریخ تمدن، ج ۱، ترجمه جمعی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا (چاپ دوم)، ج ۳، تهران، دانشگاه تهران.
- دهشیری، محمدرضا و زهرا بهرامی (۱۴۰۰)، مؤلفه‌های الگوی سیاست خارجی تمدن‌ساز، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۴، (۲)، صص ۵۶-۳۱.
- دیاری بیدگلی، محمدتقی، داوری، روح‌الله (۱۴۰۰)، تأثیر آیه نفی سبیل بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۱۲، (۴۴)، صص ۴۰-۷.
- رحمانی، محمد (۱۳۸۲)، قاعده نفی سبیل از منظر فریقین، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، (۶)، صص ۲۸-۲.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۰)، فروغ ابدیت / تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم، ج ۱، قم، بوستان کتاب.
- سخنرانی آیت‌الله عبدالله جوادی آملی در جمع برخی طلاب علوم دینی، قم، بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی اسراء، ۱۳۹۷/۱۰/۰۳.
- سرخیل، بهنام (۱۳۹۸)، هویت دینی و آینده همگرایی در جهان اسلام؛ موانع و راهکارها، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۲ (۲)، صص ۹۳-۱۱۶.

- شجاعیان، محمد (۱۳۹۹)، سیر تحول مفهومی قاعده نفی سبیل در فقه سیاسی شیعه، فصلنامه سیاست متعالیه، دوره ۸، (۳۰)، صص ۱۰۹-۱۲۸.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۵ و ۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی، ج ۱، قم، دارالثقافه.
- طیب، سیدعبدالحسین تفسیر اطیب‌البیان، نسخه الکترونیکی، دسترسی در: <https://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/60818/4810>
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، قاعده‌ی نفی سبیل، دوفصلنامه‌ی مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۶، (۳)، صص ۲۳۱-۲۵۳.
- عمید زنجانی، عباسعلی و ابراهیم موسی‌زاده (۱۳۹۱)، بایسته‌های فقه سیاسی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجلد.
- غمامی، سیدمحمد مهدی، مقدمی خمامی، نیلوفر (۱۳۹۸)، چالش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار، فصلنامه حکومت اسلامی، دوره ۲۴، (۹۱)، صص ۵-۳۲.
- فرید، امن‌اله، امرالله نیکومنش و علی بهرامی‌نژاد مغویه (۱۳۹۹)، رابطه قاعده نفی سبیل با توافق برجام (تعامل یا تعارض)، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۶، (۵۳)، صص ۱-۱۶.
- قدیری، حسین (۱۴۰۰)، امنیت ملی و ارتباط آن با وجوب استکبارستیزی در اسلام (با تمرکز بر امنیت اقتصادی)، مطالعات امنیت اقتصادی، سال اول، (۴)، صص ۱-۳۹.
- قطب، محمد (۱۳۵۹)، جاهلیت قرن بیستم، ترجمه‌ی محمدعلی عابدی، تهران، ناشر مرکز نشر انقلاب.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳)، گزیده کافی، ترجمه محمدباقر بهبودی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۹)، اصول الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۱، تهران، کتاب‌فروشی علمیه اسلامی.
- المامیر، محمدابراهیم و اعظم محمددخت (۱۳۸۷)، آیه‌ی نفی سبیل و نقش آن در تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم (۱)، صص ۲۸-۴۶.

- محرمی، غلامحسن (۱۳۹۶)، نقش امامان شیعه علیه السلام در شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مسعودی، محمد مهدی (۱۳۷۶)، روش‌شناسی تفسیر المیزان، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دوره ۳، (۹-۱۰)، صص ۱۲۳-۱۰۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۲)، تفسیر نمونه، ج ۴، تهران، انتشارات دارالاسلام.
- نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی، (۱۳۹۴/۹/۸).
- نراقی، ملا احمد (۱۳۸۷)، معراج السعاده، تهران، انتشارات ولی عصر (عج).
- نوروزیان، امیر (۱۳۹۸)، واکاوی دلالت آیه نفی سیل بر عدم جواز سلطه کفار بر مسلمین، ققیه‌انه، سال چهارم، (۱۱)، ۶-۲۳.
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۱۶ق)، أسرار آل محمد علیهم السلام، ترجمه اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، ج ۱، قم، نشر الهادی.

References

- Holy Quran. [In Persian].
- Nahj Albalagheh. [In Persian].
- ----- (1360), *Misbah al-Sharia*, translated by Hassan Mostafavi, Tehran, Islamic Society of Hikmat and Philosophy of Iran. [In Persian].
- Alidoost, Abulqasem, (2013), the rule of Nafy-e Sabil (Negation of the Way), *journal of articles and reviews*, 76, (3), pp. 231-253. [In Persian].
- Andarzgo, Seyyed Mahmoud and Nawadeh Topchi, Hossein (1400), the contradiction rule of Nafy-e Sabil (Negation of the Way) with the theory of globalization and globalizaton, *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence Studies and Fundamentals of Law*, Volume 15, (44), pp. 75-93. [In Persian].
- Ayatollah Abdullah Javadi Amoli's speech to some students of religious sciences, Qom, Israa International Foundation for Revelation Sciences, 2018/10/3. [In Persian].
- Bin Abifras, Waram and Masoud ibn Isa (1369), *Waram's Collection, Manners and Ethics in Islam*, Translation of Tanbih Al-Khwatar, Volume 1, Mashhad, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. [In Persian].

- Dekhoda, Ali Akbar (1377), *Dekhoda dictionary* (2nd edition), vol.3, Tehran: University of Tehran. [In Persian].
- Dehshiri, Mohammad Reza and Zahra Bahrami (1400), Components of Civilization-Building Foreign Policy Model, *Bi-quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, Volume 4, (2), pp. 31-56. [In Persian].
- Diari Bidgholi, Mohammad Taghi, Davari, Ruhollah (1400), the influence of the verse of Nafy-e Sabil (Negation of the Way) on the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, *Research Journal of Quranic Studies*, Volume 12, (44), pp. 7-40. [In Persian].
- Durant, William James (1378), *History of Civilization*, Volume 1, collective translation, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian].
- Farid, Aman Elah, Amrullah Nikomanesh and Ali Bahraminejad Mughwih (2019), the relationship between the Mustafa negation rule and the JCPOA agreement (interaction or conflict), *Political Science Quarterly*, Volume 16, (53), pp. 1-16. [In Persian].
- Ghamami, Seyyed Mohammad Mahdi, Moghadami Khamami, Nilofar (2018) Fundamental challenges of the Islamic Republic of Iran in facing the sustainable development document, *Islamic Government Quarterly*, Volume 24, (91), pp.5-32. [In Persian].
- Giddenz, Antony, 2004, *Modernity and Self- Identity: Self and Society in the Late Modern Age*, Cambridge, Polity. [In Persian].
- Hakim, Seyyed Mohammad Baqer (2007), Human society from the perspective of the Holy Quran, translated by Musa Danesh, Mashhad, *Islamic Research Foundation*. [In Persian].
- Hakimi, Mohammad Reza and Mohammad Hakimi and Ali Hakimi, (1380), *Al-Hayat*, translated by Ahmad Aram, Tehran, Islamic Culture Publishing House. [In Persian].
- Harrani, Hossein bin Ali, (1363), *Tohf al-Aqool*, Qom, Jamia Madrasin. [In Persian].
- Helali, Salim bin Qays, (1416 AH), *Asrar al Muhammad, peace be upon him*, translated by Ismail Ansari Zanjani Khoini, vol. 1, Qom, Al-Hadi publication. [In Persian].
- Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (2016), *Outline of Islamic Thought in the Qur'an*, Qom, Iman Jihadi Cultural Institute. [In Persian].
- Hosseini Shah Abd al-Azimi, Hossein (1363), *Tafsir Esna Ashari*, Vol. 1, Tehran, Miqat Publications. [In Persian].
- Ibn Abi al-Hadid Mu'tazili (1404 AH), *Commentary on Nahj al-Balagha*, vol. 20, Qom, School of Ayatollah al-Azmi al-Marashi al-Najafi. [In Persian].

- Ibn Athir, Izz al-Din (1370), *Tarikh Kamel*, translated by Seyyed Hossein Rouhani, vol. 2, Tehran, Asatir Publications. [In Persian].
- Ibn Babouyeh, Muhammad Ali (Sheikh Sadouq) (1385), *Man Lay Hazara Al-Faqih*, translated by Ali Akbar Ghafari, Mohammad Javad Ghafari and Sadr Balaghi, vol. 4, Tehran, Darul Kitab Islamia. [In Persian].
- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali (Sheikh Sadouq) (1376), *Al-Amali (Lal Sadouq)*, translated by Mohammad Bagher Kamerai, Tehran, Kitabchi. [In Persian].
- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali (Sheikh Sadouq) (1382), *the reward of deeds and the eagle of deeds*, translated by Mohammad Reza Ansari Mahalati, vol. 1, Qom, Nasim Kauthar. [In Persian].
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (1385): *Tahrir al-Wasila*, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, Vol. 1 and 2, Qom, Dar al-Alam Publications. [In Persian].
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1391), *Commentary on the Hadith of Soldiers of Reason and Ignorance*, Tehran, Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. [In Persian].
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (1415 A.H.), *Kitab al-Bai*, vol. 2, Qom, Al-Nashar al-Islami Institute. [In Persian].
- Izadehi, Seyyedsajad (2013), *Imam Khomeini's political jurisprudence*, Tehran, Arouj publishing house. [In Persian].
- Jafarian, Rasul (1392), *Political History of Islam 1*, Sira Ya Rasul Khuda p., Qom, Dalil Ma Publications. [In Persian].
- Javadi Amoli, Abdullah (2012), *Theology*, Qom, Isra Publishing Center [In Persian].
- Javadi Amoli, Abdullah (1388), *Thematic Tafsir of the Noble Qur'an, Society in the Qur'an*, Qom, Isra Publishing Center. [In Persian].
- Javadi Amoli, Abdullah (1391), *Mofatih al-Hayya*, Qom, Isra Publishing Center. [In Persian].
- Khosropanah, Abdul Hossein (2012), *New Islamic Theology*, third volume, Qom: Islamic Education and Training. [In Persian].
- Koleini, Mohammad bin Yaqub (1363), *Gozide Kafi*, translated by Mohammad Baqer Behboodi, Tehran, Center for Scientific and Cultural Publications. [In Persian].
- Koleini, Mohammad bin Yaqub (1369), *Usul al-Kafi*, translated by Seyyed Javad Mostafavi, vol. 1, Tehran, Ilmia Islamia bookstore. [In Persian].

- Makarem Shirazi, Nasser and others (1372), *Tafsir al-Nashon*, Vol. 4, Tehran, Darul Islam Publications. [In Persian].
- Malmir, Mohammad Ibrahim and Azam Mohammad Dokht (1387), the verse of the rule of Nafy-e Sabil (Negation of the Way) and its role in the realization of national unity and Islamic unity, *Research Journal of Sciences and Education of the Holy Quran*, (1), pp. 28-46. [In Persian].
- Masoudi, Mohammad Mahdi (1376), Methodology of Tafsir al-Mizan, *Qur'anic Research Quarterly*, Volume 3, (9-10), pp. 102-123. [In Persian].
- Mitzen, Jenifer & Kyle, Larson 2017, *Ontological Security and Foreign Policy*, Oxford Research [In Persian].
- Mitzen, Jenifer, 2004, *Ontological Security in world Politics and Implications for the Study of European Security*, Prepared for the CIDEL Workshop, Oslo. [In Persian].
- Mitzen, Jenifer, 2006, Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma, *European Journal of International Relations*, 12(3):341-370 [In Persian].
- Moharrami, Gholamhasan (2016), *the role of Shia imams against Islam in the formation and development of Islamic civilization*, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute [In Persian].
- Motahari, Morteza (1368), *Islam and the needs of the times*, Tehran, Sadra Publishing House [In Persian].
- Naraghi, Mollah Ahmed (1387), *Meraj Al-Saadeh*, Tehran, Vali Asr Publications (AJ) [In Persian].
- Norouzian, Amir (2018), analysis of the meaning of the verse rule of Nafy-e Sabil (Negation of the Way) on the impermissibility of the rule of the infidels over the Muslims, *Faqihaneh*, fourth year, (11), 6-23. [In Persian].
- Amid Zanjani, Abbas Ali and Ebrahim Mouszadeh (2011), *Political Jurisprudence Essentials*, Tehran, Majd Scientific and Cultural Assembly. [In Persian].
- Qadiri, Hossein (1400), national security and its relationship with the obligation of anti-arrogance in Islam (with a focus on economic security), *economic security studies*, first year, (4), pp. 1-39 [In Persian].
- Qutb, Mohammad (1359), *Twentieth Century Ignorance*, translated by Mohammad Ali Abedi, Tehran, published by the Revolution Publishing Center. [In Persian].

- Rahmani, Mohammad (2012), the rule of Nafy-e Sabil (Negation of the Way) from the perspective of the parties, *Research Journal of Hikmat and Islamic Philosophy*, (6), pp. 2-28. [In Persian].
- Sarkhil, Behnam (2018), religious identity and the future of convergence in the Islamic world; Obstacles and Solutions, *two quarterly journal of fundamental studies of modern Islamic civilization*, period, 2 (2), pp. 93-116. [In Persian].
- Shojayan, Mohammad (2019), the course of conceptual evolution of Nafy-e Sabil (Negation of the Way) in Shia political jurisprudence, *Transcendent Policy Quarterly*, Volume 8, (30), pp. 109-128. [In Persian].
- Sobhani, Jafar (1380), *Forough Ebdit/ a complete analysis of the life of the Holy Prophet*, Vol. 1, Qom, Bostan Kitab. [In Persian].
- Statements of the Leader of the Islamic Revolution in a gathering of selected world Olympiads and distinguished people of the 80th and 81st exams, 1381/7/3 [In Persian].
- Statements of the Leader of the Islamic Revolution in a group meeting of university professors across the country, 1382/8/8. [In Persian].
- Statements of the Leader of the Islamic Revolution in a meeting with the members of the Supreme Council of the Cultural Revolution, 2013/9/19. [In Persian].
- Statements of the Leader of the Islamic Revolution in the meeting with the officials of the system on the day of Eid Mu'baat, 2019/4/19. [In Persian].
- Statements of the Leader of the Islamic Revolution in the meeting with the regime officials and ambassadors of Islamic countries, 2014/2/26. [In Persian].
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, (1387), *translation of Tafsir al-Mizan*, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, vol.5 and 9, Qom, Islamic Publications Office. [In Persian].
- Tayeb, Seyyed Abdul Hossein Tafsir of Atyeb El Bayan, electronic version, available at: <https://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/60818/4810>[In Persian].
- Thaghafi, Ibrahim bin Muhammad (1401), *translation of Al-Gharat: The Unnarrated Years of the Rule of Amir al-Mu'minin (AS)*, translated by Seyyed Mahmoud Zarei, Tehran, Bayan Manavi. [In Persian].
- The letter of the leader of the Islamic Revolution to the general youth in Western countries, 2014/8/9) [In Persian].
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (1414 AH), *Amali*, vol. 1, Qom, Dar al-Thaqafa [In Persian].